

ملاحظات در باب تصحیحات تاریخ بیهق

مرتضی دانشیار^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۱/۱۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۲۲)

چکیده

تاریخ بیهق نوشته ابوالحسن علی بن زید بیهقی، از مهم‌ترین تواریخ محلی فارسی است که در نیمه دوم سده ششم نوشته شد. چاپ انتقادی این اثر نخستین بار در ۱۳۱۷ش، به کوشش احمد بهمنیار و بار دیگر در ۱۳۴۷ش به سعی کلیم‌الله حسینی منتشر گردید. به رغم مقدمه و تعلیقات ارزشمند مصححان، همچنان کاستی‌ها و ابهاماتی در هر دو چاپ وجود دارد که بعضاً از چشم پژوهشگران تاریخ و تاریخ‌نگاری در ایران نیز پوشیده مانده است. مقاله پیش، رو کاستی‌های موجود را نشان داده و در رفع آن خواهد کوشید؛ همچنین می‌کوشد ابهامات موجود در تاریخ بیهق را برطرف سازد. عدم اهتمام مؤلف به ارائه ویرایشی نهایی از کتاب، مسبب اصلی برخی از کاستی‌ها و خطاهای راه یافته در کتاب است.

واژگان کلیدی: تاریخ بیهق، تصحیح تاریخ بیهق، تواریخ محلی، علی بن زید بیهقی

مقدمه

تاریخ بیهقی نوشته ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بیهقی (د. ۵۶۵ ق)، ملقب به ابن فندق است که تألیف آن در شوال ۵۶۳ ق به پایان رسید. مقدمه در اهمیت علم تاریخ، جغرافیای ولایت بیهق، تاریخ مختصر بیهق تا آخرین سال‌های زندگی نویسنده و شرح حال مشاهیر این منطقه، مهم‌ترین مطالب این کتاب هستند. تاریخ بیهقی به کوشش احمد بهمنیار در ۱۳۱۷ش، در تهران و بار دیگر به کوشش کلیم‌الله حسینی در ۱۳۴۷ش/۱۹۶۸م، در حیدرآباد دکن منتشر شد. بهمنیار این کتاب را بر اساس دو نسخه کتابخانه عمومی برلین و موزه بریتانیا تصحیح کرده و نسخه موزه بریتانیا را به سبب قدمت و کیفیت، اصل قرار داده است (بیهقی ۱۳۱۷، مقدمه مصحح، د، ه).

کلیم‌الله حسینی نیز که تصحیح خود را نخستین چاپ تاریخ بیهقی می‌پنداشت (همو، ۱۳۴۷، مقدمه مصحح، iii)، افزون بر دو نسخه مذکور، از نسخه موجود در کتابخانه مؤسسه مطالعات شرقی ابوریحان بیرونی در تاشکند (استنساخ در ۱۰۵۷ ق) بهره برده است. وی نیز همانند بهمنیار، نسخه موزه بریتانیا را اساس قرار داده است (همو، ۱۳۱۷، مقدمه مصحح، که، کو). گرچه اصل قرار دادن نسخه موزه بریتانیا به توسط هر دو مصحح، موجب شده است که تفاوتی محسوس در متن تصحیح شده آنها دیده نشود، مقدمه و تعلیقات هر یک، کیفیتی متفاوت به دو چاپ بخشیده است.

کلیم‌الله حسینی در مقدمه‌ای مفصل (۶۵ صفحه و به زبان انگلیسی)، مؤلف، آثار موجود و مفقود او و کتاب تاریخ بیهقی را معرفی کرده است (همو، ۱۳۴۷، مقدمه مصحح، 65-1). در کنار این مقدمه مفصل، ذکر دقیق اختلاف نسخ، تهیه فهرس متنوع (فهرست کسان، نسبت‌ها، جای‌ها، قبیل‌ها و کتب) و کیفیت بهتر حروف چینی، از امتیازات چاپ حسینی نسبت به چاپ بهمنیار است، لیکن بهمنیار علاوه بر مقدمه، تعلیقات مبسوط و مفیدی نیز بر کتاب نوشته که چاپ او را بر اثر حسینی برتری داده است. بهمنیار در تعلیقات، ضمن تصحیح برخی از اغلاط نسخ، بسیاری از ابهامات کتاب را روشن کرده و برخی از اعلام را شرح داده است (نک: همو، ۱۳۱۷، تعلیقات مصحح، ۳۵۳-۲۹۳).

افزون بر نوشته‌های بهمنیار و حسینی، بررسی جوانب مختلف تاریخ بیهقی، از جمله فواید تاریخی و ویژگی‌های ادبی، منابع و مآخذ مؤلف و منش تاریخی او، موضوع مقالات متعددی بوده است.^۱ در کتب تاریخ ادبیات فارسی و تاریخنگاری نیز برخی از ویژگی‌های

۱. نک: مقاله محمدخان قزوینی مندرج در مقدمه تصحیح بهمنیار از تاریخ بیهقی (بیهقی ۱۳۱۷، ۱۰-۲۳)؛ الهادی، یوسف، مقدمه بر تعریب تاریخ بیهقی، ۵-۸۷؛ همو «هذه التواریخ النائیة تاریخ بیهقی نمودجاً»، ۴-

تاریخ بیهقی مورد ملاحظه قرار گرفته است.^۱ اما نکات، اغلاط و ابهامات مغفول مانده در دو تصحیح این اثر، نه موضوع پژوهشی مستقل بوده و نه در آثار پیش گفته مورد توجه واقع شده است. گزاف نیست اگر این بی توجهی به حساب ارزش و اهمیت کتاب و در نتیجه غفلت از نواقص آن گذاشته شود. پژوهش حاضر ضمن برشمردن اشکالات و ابهامات مغفول در چاپ تاریخ بیهقی، به توضیح و تصحیح آنها خواهد پرداخت.

کاستی‌های محتوایی

الف) ابهامات

۱. اگرچه علی بن زید بیهقی (۱۳۱۷، ۳۳؛ همو ۱۳۴۷، ۵-۵۴) به بیان اقوال مختلف درباره اشتقاق واژه بیهق و حدود جغرافیایی این ناحیه پرداخته است، اما عدم اشاره به مفاهیم چند گانه‌ای که این واژه در تألیف او و دیگر منابع تاریخی قرون میانه دارد، موجب مبهم ماندن مفهوم و مصداق واژه «بیهق» در اثر وی شده است.

واژه «بیهق» در منابع تاریخی پیش از عهد مغول، به سه مفهوم به کار رفته است. نخست نام روستایی که به تصریح علی بن زید بیهقی (د. ۵۶۵ق)، قدیم‌ترین آبادی ناحیه بود. هرچند این آبادی در دوره طاهریان (حک: ۲۵۹-۲۰۵ق) همچنان رونق داشت، در قرن ۶ ق تنها ویرانه‌های آن بر جای مانده بود (همو ۱۳۱۷، ۳۳-۳۵).

دیگر آن که بیهق گاه به معنای خاص، به شهر سبزوار اطلاق می‌شد. بر اساس روایات مربوط به فتح منطقه، بیهق دارای حصار بوده است و چون همه منطقه نمی‌توانست محصور باشد، منظور از بیهق، در این روایت‌ها، سبزوار بوده است (بلاذری،

→ فصلنامه ثقافتنا، شماره ۱۸، ۱۳۸۸؛ ۱۱۱-۱۲۲. این مقاله خلاصه‌ای از مقدمه مترجم بر چاپ عربی این کتاب است. همو، «تاریخ بیهقی»، ۲۸۶-۲۸۵/۱۴؛ حضرتی، حسن «ابن فندق و تاریخ شناسی»، دو فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، سال سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ۳۵-۵۶؛ دانشیار و بیات، «منابع اطلاعات و تأملی در مفهوم منبع در آثار تاریخی مسلمانان، مطالعه موردی: تاریخ بیهقی»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام: پژوهش‌کنده تاریخ اسلام، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۲؛ فروزانی، سید ابوالقاسم «تاریخ بیهق ابن فندق و رمز جامعیت آن»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، خرداد و تیر ۱۳۸۰- شماره ۴۴ و ۴۵، ۹۵-۹۷؛ عزت پور، عدالت «تاریخ نگاران: ابن فندق»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، خرداد ۱۳۹۰- ش ۱۵۷، ۹۴-۹۸.

Pourshariati, Parvaneh "Local Historiography in Early Medieval Iran and the *Tarikh-i Bayhaq*" *Iranian Studies*, volume 33, number 1-2, Winter/Spring 2000) 133-164.

۱. بهار، سبک‌شناسی (چ ۴، امیرکبیر، ۲۵۳۶)، ۳۶۵/۲-۳۷۷؛ قنوت، عبدالرحیم (تاریخ نگاری محلی در ایران در دوره اسلامی تا سده هفتم هجری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، تهران، ۱۳۹۳) ۱۵۹-۱۶۹.

۳۹۱؛ ابن‌أثیر، ۳/ ۱۲۵؛ ۵۹۱/۹). روایت فتح سبزوار نیز با اندکی اختلاف، همان روایت فتح بیهق است (بیهقی ۱۳۱۷، ۴۴). به علاوه گزارش ساخت اولین مسجد در این ناحیه (قرن اول هجری) نیز، درباره سبزوار است. نهایتاً آن که در منابع پیش از قرن هفتم هجری، شخصیت‌های اهل سبزوار به جای سوزوار، به بیهق (= بیهقی) منسوب شده‌اند؛^۱ در حالی که بیشتر رجال دیگر آبادی‌های بیهق، به روستای محل تولد خویش منسوب بودند، همانند خسروجردی، جشمی، خواری و برزهی.

اما بیهق در مفهوم گسترده آن به مجموعه روستاهایی اطلاق می‌شد که در غربی‌ترین ناحیه خراسان بزرگ قرار داشتند (ابن خلکان، ۱/ ۷۶؛ سمعانی، ۲/ ۴۱۲؛ یاقوت حموی، ۱/ ۵۳۷). حدّ غربی آن دهکده‌های خوار و طابران^۲ در مرز قومس و حدّ شرقی آن روستای سنقریدر (سنگ کلیدر امروزی)، آمن‌آباد و روستای بیهق در مرز نیشابور بود. عرض ناحیه بیهق نیز از ده سبه در حدّ طریثیت^۳ (ترشیز یا کاشمر امروزی) تا توده در شمال بیهق و در مرز منطقه جوین^۴ امتداد داشت (بیهقی ۱۳۱۷، ۳۴).

۲. در تاریخ بیهق (۱۳۱۷، ۱؛ قس: همو ۱۳۴۷، ۳۳) از اثری مفقود، به نام تاریخ نیشابور نوشته ابوالقاسم کعبی بلخی (د. ۳۱۷)، از تواریخ محلی متقدم، یاد شده است. در صفحات دیگر این اثر (همو ۱۳۱۷، ۱۳۸، ۱۵۴، ۱۵۶، ۲۵۵) آثاری با عناوین *مفاخر خراسان*، *مفاخر نیشابور و مفاخر نیشابور و نواحی آن*، نیز به کعبی بلخی منسوب شده است. لیکن بررسی منقولات علی بن زید بیهقی در همین صفحات، نشان می‌دهد که همه این عناوین، بر یک اثر اطلاق می‌شده است.

۳. بیهقی (۱۳۱۷، ۱؛ همو ۱۳۴۷، ۳۳-۳۴) از تألیف ناتمام علی بن ابی‌صالح خواری موسوم به *تاریخ بیهق* به زبان تازی، یاد کرده و آن را از منابع اصلی خود دانسته است. از منقولات علی بن زید بیهقی در *لباب الانساب و تاریخ بیهق*، چنین بر می‌آید که خواری حداقل در سال ۵۳۳ هجری زنده بوده است و در اثر خود تنها به ذکر احوال حاکمان، ادیبان و

۱. تنها در یک مورد باخرزی (۱۱۲۸/۲) از یکی از شعرای این شهر با عنوان «علی بن ابراهیم السابزوری» یاد می‌کند.

۲. امروزه این دو آبادی جزء شهرستان شاهرود است (بیهقی ۱۳۱۷، تعلیقات بهمنیار، ۳۳۳، ۳۳۹).

۳. طریثیت ناحیه‌ای با روستاهای فراوان، از اعمال نیشابور است. نام قصبه این ولایت نیز طریثیت است (یاقوت حموی، ۴/ ۳۳). علی بن زید بیهقی (بیهقی ۱۳۱۷، ۲۸۱، ۲۷۶، ۲۷۲، ۱۱۸، ۳۴) این نام را به دو صورت طریثیت و طریثیت ضبط کرده است.

۴. ولایتی بزرگ در مسیر راه کاروانرو مابین نیشابور و بسطام که مرکز آن آزادوار اولین آبادی جوین از سمت قومس بود. جوین معرب واژه گویان است (یاقوت حموی، ۱۹۳/۲).

علویان بیهق پرداخته بوده است (نک. همو ۱۳۱۷، ۱۲۰، ۲۱۴-۲۱۱، ۲۱۸؛ همو ۱۴۱۰، ۵۱۰ به بعد). از این رو روشن است که سرچشمه اطلاعات علی بن زید بیهقی در شرح احوال دیگر مشاهیر بیهق - منجم، محدث، فقیه، شاعر، پزشک، وزیر و حاکم - منابعی دیگر بوده است.

۴. مؤلف تاریخ بیهق (۱۳۱۷، ۷۳؛ همو ۱۳۴۷، ۱۲۴) به قتل «داود بن ملک‌شاه بن برکیارق» در سبزواری اشاره کرده و وعده داده که در صفحات آتی، جزئیات آن را خواهد نوشت. اما در هیچ جای کتاب، چنین مطلبی نیآورده است. از این رو می‌توان گمان برد که یا تاریخ بیهق، تلخیص شده است یا این بخش از کتاب، بدون هیچ تغییری از کتاب نیافته مؤلف موسوم به مشارب/التجارب، أخذ شده است. مشارب/التجارب به زبان عربی تألیف شده بود و مطلب وعده داده شده، در تاریخ بیهق به زبان عربی، آمده است. این امر احتمال، درستی قول دوم را تقویت می‌کند.

۵. بیهقی (۱۳۱۷، ۱۱۹) از خاندانی به نام «عزیزیان» یاد کرده که شهرت آنان به سبب انتساب به «عزیز بن مغیره بن عبدالرحمن بن عوف» بوده است. اما بنابر کتاب جمهره/انساب العرب نوشته ابن حزم اندلسی، شهرت درست این خاندان «غزیریان» یا احتمالاً «عزیریان» و جد آنها «غزیر بن مغیره بن حمید بن عبدالرحمن بن عوف» است (ابن حزم، ۱۳۳).

۶. بیهقی (۱۳۱۷، ۱۱۹) یکی از اشخاص معروف این خاندان را «عبدالله بن محمد بن عزیر» دانسته که وزیر نوح بن منصور سامانی (حک. ۳۸۷-۳۶۵ق) بوده است. به رغم شهرت این شخص در منابع دوره سامانی، علی بن زید بیهقی، به بیان یک جمله درباره وی اکتفا کرده و نام او را نیز در بخشی از کتاب (همان، ۱۳۱۷، ۶۶-۲۶۴) که به ذکر اشخاص بیهقی صاحب «مناصب ایالت و وزارت و نیابت وزارت» اختصاص یافته، نیآورده است (همان، ۱۳۱۷، ۲۰۷، ۴۶۰). مصححان کتاب نیز، شرح احوال وی را نیآورده‌اند. در حالی که او و پدرش محمد بن عزیر (یا غزیر) از وزرای مشهور سامانیان بودند. پدر - ابو منصور محمد بن عزیر (غزیر) - از سال ۳۴۳ تا ۳۴۷ وزیر ابوالفوارس عبدالملک بن نوح بود.^۱ فرزند او عبدالله بن محمد عزیر (غزیر)، نیز وزیر نوح بن منصور سامانی بود و آخرین سال‌های حیاتش را در زندان سلطان محمود غزنوی گذراند.^۲

۱. نک. گردیزی (۲۴۹، ۲۵۲) که در متن آن ابومنصور عبدالله بن عزیر ثبت شده است، اما در نسخه بدلهای آن «ابو منصور عبدالله بن غزیر».

۲. ذکر نام عبدالله بن محمد بن عزیر، بر خلاف پدرش، در منابع متعدد آمده است، اما سرچشمه اطلاعات همه آنها تاریخ یمنی (عتبی، ۱۵۱، ۱۳۵-۳۷، ۱۳۱، ۱۱۴، ۹۹، ۸۷-۸، ۷۴، ۶۸-۹) و زین الاخبار (گردیزی، ۳۷۶-۳۷۴، ۳۶۹) است.

بیهقی (۱۳۱۷، ۱۲۸، ۲۶۵؛ همو ۱۳۴۷، ۲۲۳، ۴۶۰) از «ابوالعباس جعفر بن محمد خیر» وزیر سامانیان یاد کرده است. با توجه به دور بودن شباهت ظاهری میان این دو اسم، امکان تغییر و تحریف یکی از اسامی به دیگری بعید است. بنابر این، احتمالاً سه نفر از اهالی بیهق، در دربار سامانیان به مقام وزارت دست یافتند.

بخش غالب تاریخ بیهق (۱۳۱۷، ۱۳۷؛ همو ۱۳۴۷، ۲۳۸) را فصلی تحت عنوان «ذکر علما و ائمه و افاضل» تشکیل داده است. مؤلف در این بخش، بدون لحاظ و ذکر مذهب اشخاص، به شرح احوال ایشان پرداخته است. با این حال به کمک قرائنی چون تألیفات، استادان و شاگردان یا از طریق منابع رجالی، می‌توان مذهب این افراد را حدس زد. عجیب آن که مؤلف تاریخ بیهق شرح احوال غالب عالمان شیعی پیش از قرن پنجم را نیاورده است. ظاهراً عدم ذکر احوال شیعیان در تاریخ بیهق، به سبب مغفول ماندن آنها در منابع مورد استفاده علی بن زید بیهقی، چون تواریخ نیشابور، بوده است.

۷. علی بن زید بیهقی (۱۳۱۷، ۵۴-۱۵۱؛ همو ۱۳۴۷، ۲۶۱) شرح احوال ادیبی به نام «ابواسحاق ابراهیم بن محمد البیهقی المغیثی» (د. حدود ۳۰۰ق) را ذکر کرده و او را علاوه بر بیهق، در بغداد و نیشابور نیز دارای عزت و شهرت دانسته است. اگرچه وی به تألیفات بیهقی مغیثی اشاره نکرده است؛ لیکن قرائنی چون دوره حیات وی، تحصیل او در بغداد، همنشینی و مشاعره با شاعران مشهور - بحتری (د. ۲۸۴ق) و ابن رومی (د. ۲۸۳ق) - و سرانجام دبیری در دربار طاهریان و صفاریان، نشان می‌دهد که وی صاحب اثر مشهور *المحاسن و المساوی*، است. اما محققان، مؤلف این اثر را «ابراهیم بن محمد بیهقی» می‌دانند. عدم اطلاع *مصحح المحاسن و المساوی* و برخی از پژوهشگران دیگر، از اطلاعات ذی قیمت تاریخ بیهق، موجب عدم ارائه تصویری روشن از احوال او شده است (برای نمونه نک: بیهقی، *المحاسن و المساوی*، مقدمه ابوالفضل ابراهیم، ۱-۱۸؛ آذرنوش، ۱۳/۴۷۶۱).

۸. روایت بیهقی (۱۳۱۷، ۱۵۴؛ همو ۱۳۴۷، ۶۸-۲۶۷) درباره شرح احوال «ابوعلی حسین بن احمد سلمی»، ادیب و صاحب *اخبار ولات خراسان/ تاریخ ولات خراسان*، متناقض است. وی، سلامی را متوفی سال ۳۰۰ق و شاگرد ابراهیم بن محمد البیهقی المغیثی (زنده در اوایل نیمه دوم سده سوم) دانسته است. با این حال ابوبکر خوارزمی متوفی سال ۳۸۳ق را از شاگردان سلامی معرفی کرده است (همو ۱۳۱۷، ۱۰۸، ۱۵۴). چنان که در مقدمه کاظم بیکی بر *اخبار ولات خراسان* نیز اشاره شده است، احتمالاً

بیهقی، شرح احوال ابوعلی حسین بن احمد سلّامی (زنده در ۳۴۴ ق) را با برادرش ابوالحسین علی بن احمد سلّامی (متوفی ۳۰۰ ق) خلط کرده است. با این وصف، چنین می‌نماید که البیهقی المغیثی استاد ابوالحسین علی و برادرش، ابوعلی حسین، استاد ابوبکر خوارزمی باشد. بنابر همان مقدمه، نگارش *اخبار ولات خراسان* را اولی آغاز کرده و برادرش ابوعلی حسین، ادامه داده است (کاظم‌بیکی، ۹-۱، ۱۴-۱۵).

۹. بیهقی (۱۳۱۷، ۲۰۲، ۲۳۰، ۲۳۸) از هجوم غزان و قتل و غارت آنها در نیشابور، به عنوان «فترت نخستین» و «فتنه الاولی» یاد کرده است (همو ۱۳۴۷، ۳۴۹، ۳۹۸، ۴۱۴). اما از فترت یا فتنه دوم، ذکری به میان نیاورده است. به نظر می‌رسد به زعم او فترت و فتنه دوم، درگیری‌های خون‌بار فرقه‌ای نیشابور در سال‌های ۵۵۴ و ۵۵۶ ق باشد که به ویرانی محلات و کشتار گسترده پیروان فرق مختلف شهر انجامید (راوندی، ۸۲-۱۸۰؛ ابن‌اثیر، ۲۷۱/۱۱، ۲۳۶/۱۱، ۱۸۱/۱۱، ۱۷۶/۱۱).

۱۰. بیهقی (۱۳۱۷، ۲۲۰)، نام سازنده مدرسه مخصوص فقیه ابوبکر عبدالله و برادرش ابوسهل را «ابوالقاسم عمرو» ثبت کرده است. در حالی که نام درست سازنده این مدرسه، «ابوالقاسم علی بن محمد بن حسین بن عمرو» است (همو ۱۳۴۷، ۳۸۲، ۳۳۵، ۳۲۰).

۱۱. بیهقی (۱۳۱۷، ۲۲۳؛ همو ۱۳۴۷، ۳۸۸) در ضمن ذکر نام ابوسعید عبدالله بن احمد - عامل بیهق و مقتول در سال ۵۴۲ ق - وعده داده که احوال وی را مفصل خواهد نوشت، لیکن خبری از شرح حال او در هیچ جای کتاب نیست. این موضوع را می‌توان قرینه‌ای بر ملخص بودن نسخ موجود، دانست.^۱

۱۲. علی بن زید بیهقی، از سه تن از افراد متعلق به خاندانی محلی موسوم به "زیادی" یاد کرده است. عدم ذکر نام کامل این افراد، خلط اطلاعات درباره ایشان را محتمل می‌سازد. با وجود این، از خلال همین اثر و نیز توجه به دوره زندگی هر یک از آنها، می‌تواند دریافت که منظور از امیر ابوالفضل الزیادی (همو ۱۳۱۷، ۲۶۵)، شخصی است که مسجد جامع سبزوار را در سال ۳۱۷ ق تعمیر کرد (همان، ۵۰). او از صاحب منصبان بزرگ دولت سامانی در نیمه اول قرن چهارم بود (همان، ۲۷۱، ۵۰). همچنین، منظور از امیر زیاد زیادی، امیر ابوالفضل زیاد بن احمد زیادی (د. ۳۹۱ ق) است که ظاهراً نواده شخص فوق‌الذکر است (همان ۱۳۱۷، ۳۱-۱۳۰؛ همو ۱۳۴۷، ۸۶، ۲۲۵، ۴۶۱، ۴۷۲).

۱. شواهد حاکی است که تاریخ بیهق موجود، تلخیصی از اثر اصلی علی بن زید بیهقی است. نگارنده در مقاله‌ای مستقل، موضوع تلخیص تاریخ بیهق را بررسی خواهد کرد.

۱۳. در بخشی از تاریخ بیهقی (همو ۱۳۱۷، ۲۶۵-۲۶۶) که از بیهقیان صاحب «مناصب ایالت و وزارت و نیابت وزارت» یاد شده است، نام «فضل بن حمک» از قلم افتاده است. طبق شرح مختصری که از احوال وی در جای دیگر آمده است، (همو ۱۳۱۷، ۱۵۱؛ همو ۱۳۴۷، ۴۶۱، ۲۶۱)، او در کاشغر به منصب وزارت رسید.

۱۴. مؤلف تاریخ بیهقی (همو ۱۳۱۷، ۲۶۵) از معین‌الملک ابوالقاسم علی بن سعید الخسروآبادی به عنوان نایب وزیر سلطان سنجر یاد کرده است. وی همان کسی است که در صفحه دیگر به عنوان نایب وزیر صدرالدین محمد بن فخرالملک معرفی شده است (همو ۱۳۱۷، ۱۳۶؛ همو ۱۳۴۷، ۲۳۶، ۴۶۱).

۱۵. بیهقی (۱۳۱۷، ۲۶۷) از فردی به نام ابوسعید یاد کرده است که در ناامنی‌های دوره انتقال حکومت از غزنویان به سلاجقه، به اهالی سبزوار آذوقه رساند. وی می‌بایست ابوسعید جمعه بن علی بنداری، مستوفی وقت بیهق، باشد که علی بن زید در جایی دیگر شرح احوالش را آورده است (همان، ۱۱۵؛ همو ۱۳۴۷، ۲۶۶).

۱۶. در تاریخ بیهقی (۱۳۱۷، ۲۷۲؛ همو ۱۳۴۷، ص ۷۳-۴۷۲) سخن از ابوسعیدک نامی است که در عهد سامانیان (حک. ۳۸۹-۲۸۸ق) به سبب ستمگری، به دست اهالی منطقه کشته شد. علی بن زید، وی را سومین کارزار/عامل بیهق دانسته که کنیه ابوسعید داشت و به قتل رسید. با این حال از کارگزاری دیگر به نام «ابوسعید فاریابی» یاد کرده است که او نیز در اوایل عهد سلجوقیان، همان سرنوشت گارگزار دوره سامانیان را یافت. لیکن از وی به عنوان اولین ابوسعید مقتول نام برده است (همو ۱۳۱۷، ۲۶۵). به علاوه در جای دیگر به ابوسعید عبدالله بن محمد - از عمال سلجوقیان - اشاره شده که در آشفتگی بعد از مرگ ملکشاه در سال ۴۸۵ق به دست عیاران منطقه کشته شد (همو ۱۳۱۷، ۱۱۵؛ ۱۳، ۱۹۹). بر خلاف نوشته بیهقی، ابوسعیدک دوره سامانیان، اولین ابوسعید مقتول، ابوسعید فاریابی والی اوایل عهد سلجوقیان، دومین و ابوسعید عبدالله بن محمد، سومین مقتول بوده‌اند.

(ب) اشتباهات

۱. بیهقی (۱۳۱۷، ۲۴) ذیل «در ذکر کسانی که از صحابه رضی‌الله عنهم در بیهق بوده‌اند»، مهلب بن ابی صفره را به عنوان صحابه رسول الله - صلی الله علیه و آله - آورده است؛ اما در ادامه، بدون اشاره به حضور او در بیهق، از حضور فرزندش یزید بن مهلب (مقتول ۱۰۲ق)، شهر بن حوشب (د. ۱۰۰ق) و عکرمه غلام عبدالله بن عباس (د. ۱۱۵ق) که همه از تابعین و نه صحابه، بوده‌اند، در بیهق یاد کرده است (همو ۱۳۱۷، ۳۹).

۲. بیهقی (۱۳۱۷، ۴۴، ۲۶۷؛ همو ۱۳۴۷، ۷۴، ۴۶۴)، هجوم حمزه آذرک خارجی به بیهق را در سال ۲۱۳ ق دانسته است. با توجه به روایت منابع دیگر، به نظر می‌رسد هجوم حمزه آذرک به بیهق، به سال‌های اوج تحرکات خوارج سیستان، در اواخر دوره حکمرانی علی بن عیسی بن ماهان (حک. ۹۱-۱۸۰ ق) بر خراسان برمی‌گردد که درگیری همزمان حاکم خراسان با رافع بن لیث، به خوارج اجازه می‌داد با فراغ بال بیشتری به حملات خود ادامه دهند^۱ (گردیزی، ۷-۱۹۶؛ تاریخ سیستان، ۶۰-۱۵۹؛ بغدادی، ۹۱-۹۲؛ قس: ابن اثیر، ۵۱/۶-۱۵۰؛ باسورث، ۲۰۰).
۳. اثر دیگر بیهقی که به بیان انساب علویان اختصاص دارد، در تاریخ بیهق (بیهقی ۱۳۱۷، ۵۴، ۶۴؛ همو ۱۳۴۷، ۹۳، ۱۱۲) «لباب الانساب و القاب الاعقاب» خوانده شده است. لیکن نام درست این اثر، بنابر چایی که از آن موجود است، «لباب الانساب و الألقاب و الأعقاب» است.
۴. بیهقی (۱۳۱۷، ۸۶) درگذشت مهلب بن ابی صفره را «فی سنه اثنتین و مائه» نوشته است. اما از منابع دیگر چنین برمی‌آید که تاریخ درگذشت وی سال ۸۲ یا ۸۳ ق در ده زاغول از توابع مرو بوده است (زرکلی ۶۱/۲-۲۶۰). ممکن است ناسخان، عدد «اثنتین و ثمانین» را به «اثنتین و مائه» تغییر داده باشند.
۵. بیهقی (۱۳۱۷، ۹۰؛ همو ۱۳۴۷، ۱۵۴) یکی از خاندان‌های مشهور بیهق را از نسل صالح بن ابی صفره، برادر مهلب بن ابی صفره، دانسته است. لیکن بنابر منابع انساب (برای نمونه، نک: ابن حزم، ۳۴۸) و حتی گزارش خود بیهقی (۱۳۱۷، ۸۴) ابی صفره، فرزندی به نام صالح نداشته است.
۶. بیهقی (۱۳۱۷، ۱۳۳؛ همو ۱۳۴۷، ۲۳۱)، «سالار بن شیر ذیل» را در سال ۳۵۸ ق، والی بیهق دانسته است. اما گردیزی (۲۳۷) نام او را سالار بن شیر دل ثبت کرده است. سالار ظاهراً از اهالی دیلمان بود که در ابتدا به خدمت بویه‌یان درآمد و سپس در حدود سال ۳۵۶ ق به ابوالحسن سیمجوری پیوست و بیهق را از او اقطاع گرفت. علی بن زید، نام قاتل سالار بن شیر دل، را بیستون بن شیرزاد دانسته، حال آن که گردیزی (۲۳۷) نام وی را «بیستون بن وشمگیر» ضبط کرده است. بیستون بن وشمگیر سومین امیر زیاری (حک. ۳۶۶-۳۵۷ ق) است که بعد از مرگ پدر، امارت زیاریان یافت (عماری، ۲۰/۲).

۱. علی بن زید بیهقی (۱۳۱۷، ۲۶۷، ۴۴) تاریخ هجوم حمزه را جمادی الآخر سال ۲۱۳ ق. دانسته است، اما مؤلف گمنام تاریخ سیستان (۱۸۰) دقیقاً جمادی الآخر همین سال را تاریخ مرگ حمزه دانسته است (برای توضیحات بیشتر نک: گردیزی، ۲۰۱؛ ۸، ۲۰۰). بهمنیار (بیهقی ۱۳۱۷، ۲۹۸) اشتباه تاریخ بیهق را در نقل تاریخ این حادثه متذکر شده اما آن را اصلاح نکرده است.

۷. در چاپهای کنونی تاریخ بیهقی، کنیه فردی به نام محمد بن جعفر، ابوحامد، ضبط شده است. اما در شرح احوال وی، کنیه‌اش ابوحاتم آمده است (همو ۱۳۱۷: ۱۷۰؛ همو ۱۳۴۷، ۹۴-۲۹۳).
۸. نام صحیح «حاکم محمد حنفی» براساس شرح احوالی که در جایی دیگر (همو ۱۳۱۷، ۱۸۱) از وی آمده است، امام ابومحمد اسماعیل بن محمد حنفی است.
۹. نام پدر ابومظفر عبدالجبار، از دبیران غزنوی، حسن ثبت شده است (همو ۱۳۱۷، ۱۷۸؛ همو ۱۳۴۷، ۳۰۸). لیکن بر اساس نقل نام برادر وی (همو ۱۳۴۷، ۳۰۹)، و نیز بنابر کتاب دمیه/قصر (۱۱۱۵/۲، ۱۱۱۸)، نام صحیح والد آنها، حسین بوده است.
۱۰. تاریخ ساخت مدرسه شیعیان محله اسفیریس، سال ۴۱۸ ق ذکر شده (همو ۱۳۱۷، ۱۸۵). که درست نیست. زیرا بیهقی (۱۳۱۷، ۱۹۴-۱۹۵؛ همو ۱۴۱۰، ۳۳۵-۳۳۶) خود در جای دیگر آورده است که سازنده این مدرسه که برای پیروان هر چهار فرقه مذهبی شهر، مدارس مستقل ساخته بود، در سال ۴۱۴ ق به سبب این اقدام غیر متعارف، به دربار سلطان محمود غزنوی احضار و توبیخ شد. افزون بر این، تاریخ درگذشت مدرس مدرسه شافعیان شهر را نیز سال ۴۱۶ ق ثبت کرده است (همو ۱۳۴۷، ۳۵۵). با این وصف مشخص است که تاریخ ساخت مدرسه محله اسفیریس، دست کم سال ۴۱۴ ق یا کمی پیش از آن بوده است.
۱۱. بیهقی (۱۳۱۷، ۲۵۴-۲۵۵؛ همو ۱۳۴۷، ۴۱-۴۴۰) ذیل «فصل فی نقباء السادات» آورده است که «... ابوجعفر احمد امیری مطاع بود ... پسرش را السید الاجل ابوالحسین محمد بن احمد بن محمد الزبارة مولد و منشاء نیشابور بود، و خلق بسیار بر وی گرد آمدند و بر وی به خلافت بیعت کردند و ... مدتی بر وی به خلافت خطبه کردند... و عقب از وی السید الاجل ابومحمد یحیی بن محمد بود... و عقب از وی السید الاجل ابوالحسین محمد بن یحیی بود، نقیب و رئیس و محترم در نیشابور. و بر وی هم به خلافت خطبه کردند و خلق بر وی گرد آمدند و هو ابوالحسین محمد بن یحیی بود، ... در ولایت امیر سعید ابوالحسن نصر بن احمد (سامانی) او را بیعت کردند، پس او را به بخارا بردند و یک چند آنجا باز داشتند. پس اطلاق کردند و خلعت دادند و ارزاق اثبات کردند... و او را صاحب الارزاق خواندند». در روایت فوق اشتباهاتی فاحش وجود دارد. بر اساس منابع معتبر و متعدد و حتی چنان که در صفحات آغازین تاریخ بیهقی، اشاره شده است، فرد مدعی خلافت در دوران امیر نصر بن احمد سامانی (حک. ۳۳۱-۳۰۱ ق) که

مدتی توقیف و سپس آزاد و مقرر برای او تعیین شد، ابوالحسین محمد بن احمد بن محمد الزبیری (د. ۳۳۹ق) است، نه نواده او ابوالحسین محمد بن یحیی (ابن بابویه، ۷۰۵/۲؛ رازی، ۱۷۳؛ بیهقی ۱۴۱۰ق، ۴۹۵؛ همو ۱۳۱۷، ۵۷، ۵۵؛ همو ۱۳۴۷، ۹۵، ۹۸). فرد اخیر تنها پس از مرگ پدرش در سال ۳۷۵ یا ۳۷۶ق، یعنی در اواخر روزگار سامانیان، منصب نقابت علویان نیشابور یافت (همو ۱۳۱۷، ۳۷۸؛ همو ۱۴۱۰، ۴۹۸؛ البلخی و دیگران، ۳۷۸، سمعانی، ۲۴۹/۶). به علاوه هیچ اطلاعی مبنی بر ادعای خلافت وی، به دست نیامد.

۱۲. به نوشته بیهقی (۱۳۱۷، ۲۷۱؛ همو، ۱۳۴۷، ۴۷۱)، مسجد جامع سبزوار «به فرمان منتصر خلیفه و امیر احمد خجستانی فی شهر سنه ثمان و ثمانین و مأتین» ساخته شد. ناهم‌زمانی خلافت منتصر (۴۸-۲۴۷ق) با دوره حاکمیت خجستانی بر خراسان (۲۶۱ یا ۲۶۲-۲۶۸ق) و نیز ذکر سال ۲۸۸ق که نه بر خلافت منتصر منطبق است و نه بر حکومت خجستانی، خطای این روایت را آشکار می‌سازد. روایت درست، همان است که مؤلف در صفحات آغازین کتاب ذکر آورده است (همو ۱۳۱۷، ۵۰؛ همو ۱۳۴۷، ۸۶). براساس آن روایت، مسجد جامع سبزوار، در دوره خلافت معتمد (۷۹-۲۵۶ق) و امارت احمد بن عبدالله خجستانی بر خراسان - و بنا بر کتیبه منبر مسجد - در سال ۲۶۶ق ساخته شده است.

۱۳. علی بن زید بیهقی تاریخ جنگ سبّاشی، سپهسالار سلطان مسعود غزنوی، با چغری داوود سلجوقی را در سال ۴۲۸ق ثبت کرده است (همو ۱۳۱۷، ۲۷۳؛ همو ۱۳۴۷، ۴۷۶). اما بر اساس تاریخ بیهقی (۳/۷۵-۸۷۴)، این نبرد در شعبان سال ۴۲۹ق واقع شده است.

۱۴. بیهقی (۱۳۱۷، ۲۸۶؛ همو ۱۳۴۷، ۴۹۸) از فردی علوی به نام «سید حسن بن الحسین بن عیسی بن زید بن الامام الحسن بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام» و مدفون در سبزوار یاد کرده است. در حالی که بر اساس منابع انساب، زید بن حسن فرزندی به نام عیسی نداشته است، بلکه عیسی فرزند زید بن علی بن حسین بن علی (ع) بوده که خود فرزندی به نام حسین داشته است (ابن حزم، ۵۰). بنابر این، نسب صحیح حسن بن حسین، «حسن بن حسین بن عیسی بن زید بن علی بن حسین بن علی علیه السلام» است که بدین ترتیب، عموی حسین بن محمد بن حسین است که در خسروجرد - روستایی در دو فرسنگی غرب سبزوار - دفن شد (همو ۱۳۱۷، ۸۵-۲۸۴؛ همو ۱۴۱۰ق، ۴۹۷).

۱۵. در تعلیقات بهمنیار نیز دو اشتباه راه یافته است. نخست آن که بهمنیار (همو ۱۳۱۷، تعلیقات بهمنیار، ۳۰۰)، ابوعلی فضل بن محمد طبرسی را همان ابوعلی

فضل بن حسن طبرسی (د. ۵۴۸ق)، مؤلف مجمع البیان و عالم شهیر امامیه پنداشته است، حال آن که از شرح احوال ابوعلی فضل بن محمد طبرسی به خوبی آشکار است که وی از شیعیان و وابستگان علویان زباری سبزواری بوده و در ملتقای قرون چهارم و پنجم می‌زیسته است (همو ۱۳۱۷، ۵۷، ۲۵۵). با وجود این، از آنجا که ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (د. ۵۴۸ق)، نیز همانند ابوعلی فضل بن محمد طبرسی، از وابستگان علویان زباری و نیز ساکن سبزواری بوده است (همو ۱۳۱۷، ۴۳-۴۴)، گمان می‌رود که وی از نوادگان ابوعلی فضل بن محمد طبرسی، بوده است. دومین اشتباه بهمینار در بیان تاریخ لشکرکشی غزان به بیهق است. بیهقی، سال هجوم لشکر غز به بیهق را ۵۵۴ق ثبت کرده است. اما بهمینار (همو ۱۳۱۷، تعلیقات بهمینار، ۳۲۲) با استناد به الکامل فی تاریخ ابن‌اثیر، این واقعه را در سال ۵۵۳ق دانسته است. حال آن که ابن‌اثیر نیز همچون بیهقی، این حادثه را در سال ۵۵۴ق ذکر کرده است، منتهی به سبب پیوستگی مطلب، آن را ذیل حوادث سال ۵۵۳ق آورده است (ابن‌اثیر، ۷۳/۱۱-۲۷۲).

اشکالات شکلی

تاریخ بیهق از کاستی‌های ساختاری و شکلی نیز کاملاً برکنار نیست. بی‌توجهی به تقدم و تأخر زمانی در ثبت رویدادها و شرح احوال افراد، در بخش‌های نخستین کتاب، از جمله این کاستی‌ها است. بیهقی (۱۳۱۷، ۴۴) اخبار مرتبط با هجوم حمزه بن آذرک خارجی را که به زعم وی در سال ۲۱۳ ق، بوده است، بیان کرده و سپس رویدادهای نیمه اول و دوم سده دوم را آورده است (همو ۱۳۱۷، ۵۳-۵۱). همچنین در صفحات آغازین فصل «در ذکر علما و ائمه و افاضل» ترتیب زمانی در مد نظر وی بوده است (همو ۱۳۱۷، ۶۹-۱۳۷)،^۱ اما در ادامه، ترتیب زمانی نادیده گرفته شده است. عدم پایبندی به توالی تاریخی رویدادها، در بخش‌های پایانی کتاب مشهودتر است. برای مثال، نخست از وزیری در عهد سامانیان سخن رفته (همو ۱۳۱۷، ۲۶۵) و پس از آن از صاحب منصبی در عهد غزنویان و سپس به معرفی مشاهیری از عهد سامانیان بازگشته است. کاستی دیگر این کتاب، عدم پیوستگی موضوعات است. مؤلف در بخش معرفی خاندان سرشناس بیهق (همو ۱۳۱۷، ۷۳-۱۳۷)، بارها از رویدادهایی سخن گفته که ارتباطی با

۱. ظاهراً این موضوع بدان سبب است که علی بن زید تمام این قسمت را از تاریخ نیشابور حاکم و تاریخ نیشابور کعبی بلخی نقل کرده است که در اولی قطعاً و در دومی احتمالاً ترتیب زمانی رعایت شده بود (دانشیار و بیات، ۸۷-۸۸).

وقایع پیش و پس از خود ندارد. پایان بخش معرفی خاندان سرشناس، سرآغاز فصل «در ذکر علما و ائمه و افاضل» ناحیه است؛ اما در بخش اخیر نیز معرفی «بیت حکام مزینان»، «بیت دلشادیان»، «خاندان کسایی»، «خمیریان»، «مجاهدان» و «خطیبیان» آمده که ارتباط چندانی با عنوان فصل ندارد (همو ۱۳۱۷، ۱۶۹، ۲۰۷، ۲۲۷، ۲۴۳، ۲۴۵). همچنین در ذکر منازعه مؤیدالدین آی به با اهالی بیهق و چگونگی سیطره ایل ارسلان خوارزمشاه بر منطقه، که با فصل «ذکر وقایع عظام که در این ناحیت افتاده است» مرتبط است در آخرین صفحات کتاب و در بخشی مستقل و بدون ارتباط با مطالب پیش و پس از خود آمده است. واپسین بخش تاریخ بیهق نیز که به ذکر علویان مدفون در بیهق اختصاص دارد، می‌بایست در فصل مختص به خاندان «سادات بیهق» می‌آمد.

تکرار مطالب، از دیگر کاستی‌های موجود در تاریخ بیهق است. برای نمونه، شرح احوال «الشیخ محمد بن سعید البیهقی» (همو ۱۳۱۷، ۱۳۸) با اندکی تغییر در دو جای دیگر بازگو شده است (همو ۱۳۱۷، ۱۵۶، ۲۵۵؛ همو ۱۳۴۷، ۲۳۷، ۴۴۳، ۲۷۱). همچنین معرفی تیره‌ای از علویان در دو جا تکرار شده است (همو ۱۳۱۷، ۵۷-۵۵، ۲۵۴-۲۵۵). این کاستی‌ها نشان دهنده هم‌زمانی گردآوری اطلاعات و تألیف کتاب است. از این رو برخی از اطلاعات نویافته را که به بخش‌هایی تعلق داشت که تألیف آن به پایان رسیده بود، در فصل در دست نگارش، گنجانده است و فرصتی نیز برای ویرایش نهایی کتاب، برای نویسنده به دست نیامده است.

نتیجه

تاریخ بیهق میراثی گرانقدر در تاریخنگاری محلی ایران و نمونه‌ای گویا از تطور این سبک تاریخنگاری در دوره اسلامی است. از این رو تا کنون دو بار به حلیه طبع آراسته شده است. با وجود این، کاستی‌ها و ابهاماتی در مطالب چاپ‌های موجود، وجود دارد که از چشم پژوهشگران به دور مانده است. پژوهش حاضر با رفع این کاستی‌ها و ابهامات، نشان داد که عدم اهتمام مؤلف به ارائه ویرایشی نهایی از کتاب، موجب بروز این کاستی‌ها بوده است نه تصحیف یا تحریف ناسخان. از این رو غالب این کاستی‌ها با نسخ موجود و با نقد درونی این اثر، قابل رفع‌اند و چاپ انتقادی مجدد یا ویرایش چاپ‌های پیشین، می‌تواند به گونه‌ای شایسته نواقص چاپ‌های موجود را جبران کند.

منابع

- [۱]. آذرنوش، آذرتاش، «ابراهیم بن محمد بیهقی»، *دبا*، زیر نظر موسوی بجنوردی، ج ۱۳، تهران، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- [۲]. بیهقی، ابراهیم بن محمد، *المحاسن و المساوی*، چاپ: محمد ابوالفضل اباهیم، مصر: نهضه مصر، ۱۳۸۰ ق.
- [۳]. ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر - داربیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵ م.
- [۴]. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد، *عیون اخبار الرضا*؛ ترجمه حمیدرضا مستفید و علی غفاری؛ تهران: صدوق، ۱۳۷۲ ش.
- [۵]. ابن حزم اندلسی، *جمهرة أنساب العرب*، چاپ لجنة من العلماء، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۳/۱۴۰۳.
- [۶]. ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد بن محمد؛ *وفیات الاعیان*، چاپ احسان عباس؛ بیروت: دارالثقافه، ۱۹۶۳ م.
- [۷]. باخرزی، علی بن حسن، *دمیه القصر و عصره اهل العصر*، چاپ محمد تونجی، دمشق: دارالحیاه، ۱۹۷۱.
- [۸]. باسورث، *تاریخ سیستان، از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.
- [۹]. بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر، *الفرق بین الفرق*، القاهره: مکتبه محمدعلی صبیح، ۱۹۶۴ م.
- [۱۰]. بلاذری، ابوالحسن احمد، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸.
- [۱۱]. البلخی، ابوالقاسم (و) القاضی عبدالجبار (و) الحاکم الجشمی، *فضل الاعتزال و طبقات المعتزله*، چاپ فواد سید، تونس: الدار التونسیه، ۱۳۹۳ ق/ ۱۹۷۴ م.
- [۱۲]. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، *تاریخ بیهقی*، چاپ احمد بهمنیار، تهران: فروغی، ۱۳۱۷ ش.
- [۱۳]. همو، *تاریخ بیهقی*، چاپ کلیم‌الله حسینی، حیدرآباد: دایره‌المعارف العثمانیه، ۱۳۴۷ ش/ ۱۹۶۸ م.
- [۱۴]. همو، *لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب*، چاپ سیدمهدی رجائی، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی، ۱۴۱۰ ق.
- [۱۵]. بیهقی، ابوالفضل محمد، *تاریخ بیهقی*، چاپ خلیل خطیب‌رهبر، تهران: آفتاب، ۱۳۸۷ ش.
- [۱۶]. *تاریخ سیستان*، مؤلف ناشناخته، چاپ محمد تقی بهار، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۱ ش.
- [۱۷]. دانشیار، مرتضی، بیات، علی، «منابع اطلاعات و تأملی در مفهوم منبع در آثار تاریخی مسلمانان، مطالعه موردی: تاریخ بیهقی»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، تهران: پژوهشگاه تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ۸۳-۱۰۰.

- [۱۸]. رازى، محمد بن عمر، *الشجره المباركه فى انساب الطالبية*، چاپ مهدي رجائي، قم: مكتبه المرعشى، ۱۴۰۹هـ.ق.
- [۱۹]. راوندی، محمد بن علی، *راحه الصدور و آيه السرور*، چاپ محمد اقبال، تهران: کتابفروشى علمى، ۱۳۳۳ش.
- [۲۰]. رضا زاده لنگرودى، رضا، «تاريخ بيهق»، *دانشنامه جهان اسلام*، ويراستار غلامعلى حداد عادل، تهران: بنياد دايره المعارف اسلامى، ج ۶، ۱۳۸۰ش.
- [۲۱]. الزركلى خيرالدين، *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربين و المستشرقين*، بيروت: دارالعلم للملايين، ط الثامنة، ۱۹۸۹.
- [۲۲]. ساكت، سلمان، «پژوهشى در اشعار عربى مقدمه و خاتمه تاريخ بيهق»، *پژوهش‌هاى ادب عرفانى*، گوهر گویا، دوره ۴، ۱۳۸۹، ۱۲۵-۱۵۶.
- [۲۳]. سمعانى، أبوسعید عبد الكريم بن محمد، *الأنساب*، چاپ عبدالرحمن بن يحيى المعلمى اليمانى، حيدر آباد دكن: دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م.
- [۲۴]. عتبى، ابونصر محمد بن عبدالجبار، *تاريخ يمينى*، ترجمه ابوالشرف ناصح جرفادقانى، چاپ جعفر شعار، تهران: انتشارات علمى و فرهنگى، ج ۳، ۱۳۷۴ش.
- [۲۵]. عمارى، حسين، «آل زيار»، *دبا*، زیر نظر كاظم موسوى بجنوردى، ج ۲، تهران: دايره المعارف بزرگ اسلامى، ۱۳۶۸.
- [۲۶]. گرديزى، ابوسعید عبدالحى بن الضحاک (۱۳۶۳). *زين الاخبار*، تصحيح: عبدالحى حبيبي، تهران: دنياى كتاب، ۱۳۶۳ش.
- [۲۷]. كاظم بيكى، محمدعلى، مقدمه بر *اخبار ولات خراسان* اثر حسين بن احمد سلامى، تهران: ميراث مكتوب، ۱۳۹۰ش.
- [۲۸]. هادى، يوسف، «تاريخ بيهق»، *دبا*، ج ۱۴، زیر نظر موسوى بجنوردى، تهران: دايره المعارف بزرگ اسلامى، ۱۳۸۶ش.
- [۲۹]. ياقوت حموى، *معجم البلدان*، بيروت: دار صادر، ط الثانية، ۱۹۹۵م.